

Transformation in the Socio-Political Positions of the Liberation Movement of the People of Iran/JAMA (1963–1979): From Theistic Socialism to Revolution and Islamic Government

Mehdi Zamani¹

DOI: [10.48308/piaj.2025.237483.1607](https://doi.org/10.48308/piaj.2025.237483.1607) Received: 2024/11/6 Accepted: 2024/12/20

Original Article

Extended Abstract

Introduction: This study examines the reproduction of discursive and political conflicts in contemporary Iranian society and the necessity of reevaluating their intellectual heritage. Given that these conflicts are an integral part of social and historical processes, analyzing the socio-political positions of influential groups and movements in modern Iranian history is of particular importance. The Liberation Movement of the People of Iran (JAMA) is one such influential movement that, during a critical period in Iran's history, presented specific views and strategies for socio-political and economic changes within a distinct discourse. Therefore, analyzing the positions of JAMA not only addresses the academic need to gain deeper insight into this movement but also serves as a tool for understanding and interpreting historical and intellectual transformations in modern Iran. The main focus of this research is to analyze JAMA's socio-political positions and to study the transformations these positions underwent within historical and discursive developments. This study aims to identify and explore the roots, characteristics, and impacts of JAMA's discourse in modern Iranian history. Additionally, the research seeks to explain the evolution of these positions from a theistic-socialist discourse to an Islamic one during the period leading up to the Islamic Revolution.

Methods: This study employs a historical research method to collect and verify data, while adopting Quentin Skinner's contextualist and intentionalist hermeneutics for the analysis and interpretation of texts. Following Skinner's approach, which argues that interpreting a text and understanding its meaning is only possible through studying texts in their social and political context with an emphasis on "speech acts" or "performative acts," this research endeavors to elucidate JAMA's positions and the transformations they underwent. Skinner's context-driven and intentionalist hermeneutics hold that the meanings of terms, concepts,

1. Ph.D. in History, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran, Mehdizamani12@gmail.com.



and propositions are dependent on and limited to their specific historical period. To achieve this, intellectual currents, prevalent arguments, and the questions and answers of that era must be thoroughly investigated. Accordingly, attention has been given to historical events, as well as the intellectual and practical backgrounds of the movement's organizers as historical subjects.

Results and discussion: Based on its periodic analysis, JAMA assessed Iranian society as being on the brink of a social transformation and promoted a program centered on an ideology aimed at realizing this transformation. The ideology in question was theistic socialism, which emphasized moral and humanistic socialism while grounding itself in a religious identity with a monotheistic framework. Politically, JAMA sought to overthrow the monarchy and establish a democratic system characterized by justice and labor. Socially and economically, it aimed to achieve a socialist transformation that prioritized securing the fundamental rights and freedoms of the people. Its strategy for transition was rooted in the belief that the old regime was incapable of meeting the people's demands and that traditional social classes were unable to seize power through conventional means. Therefore, it proposed that a revolutionary political group must, through widespread and sustained armed struggle, seize political and governmental power from the ruling class, replace it, and bring about comprehensive social transformation. In the final years leading up to the Islamic Revolution in 1979, during the second phase of its activities, JAMA redefined and pursued its stated socio-political positions within an Islamic discourse framed by revolution and Islamic governance.

Conclusion: The socio-political and intellectual transformations in JAMA's positions were significantly influenced by the linguistic-discursive and intellectual-social context, as well as the prevailing political-historical conditions. Key factors included the failure and overthrow of the national government via a coup, escalating political tensions, polarization between supporters and opponents of the monarchy, traditional-modern discursive conflicts, the ineffectiveness of conventional political approaches, suppression of protests, the pivotal events of June 5, 1963, the turn to assassination plans by revolutionary groups, the establishment of radical organizations, the spread of armed struggle ideologies, and the growth of the clerical movement. These elements collectively shaped and transformed JAMA's socio-political positions over time.

Keywords: JAMA, Theistic Socialism, Democracy, Islamic Government, Armed Struggle.

Citation: Zamani, Mehdi. 2024. Transformation in the Socio-Political Positions of the Liberation Movement of the People of Iran/JAMA (1963–1979): From Theistic Socialism to Revolution and Islamic Government, *Political and International Approaches*, Winter, Vol 16, No 4, PP 121-143.



تحول در مواضع سیاسی جنبش آزادیبخش مردم ایران/جاما (۱۳۴۲-۱۳۵۷): از سوسیالیسم خدایپرستانه تا انقلاب و حکومت اسلامی

مهدي زمانی^۱

DOI: [10.48308/pijaj.2025.237483.1607](https://doi.org/10.48308/pijaj.2025.237483.1607)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۳۰

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: در این تحقیق، تلاش شده است تا بازتولید کشمکش‌های گفتمانی و سیاسی در جامعه معاصر ایران و ضرورت بازاندیشی در میراث فکری آنها مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه این کشمکش‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیندهای اجتماعی و تاریخی بوده‌اند، واکاوی و تحلیل مواضع سیاسی-اجتماعی گروه‌ها و جریان‌های تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جنبش آزادی‌بخش مردم ایران (جاما) یکی از این جریان‌های تأثیرگذار است که در برهه‌ای حساس از تاریخ کشور، در قالب یک گفتمان خاص به ارائه دیدگاه‌ها و راهکارهایی برای تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پرداخته است. از این رو، بیان مواضع جاما نه تنها پاسخی به نیازهای جامعه پژوهشی برای درک عمیق‌تر این جنبش است، بلکه ابزاری برای بازشناسی و تحلیل تحولات تاریخی و فکری در ایران معاصر نیز به شمار می‌آید. مسئله اصلی این تحقیق، تحلیل مواضع سیاسی-اجتماعی جاما و بررسی تحولاتی است که این مواضع در جریان تحولات تاریخی و گفتمانی تجربه کرده‌اند. هدف این پژوهش، شناسایی و واکاوی ریشه‌ها، ویژگی‌ها و تأثیرات گفتمان جاما در تاریخ معاصر ایران است. همچنین، تحقیق حاضر قصد دارد به تبیین نحوه تطور این مواضع از یک گفتمان سوسیالیستی-توحیدی به گفتمانی اسلامی در دوره منتهی به انقلاب اسلامی پردازد.

روش‌ها و رهیافت‌ها: در تحقیق پیش‌رو، برای جمع‌آوری و گردآوری داده‌ها و سنجش صحت و سقم آنها از روش تحقیق تاریخی استفاده و در بخش تحلیل و تفسیر متون نیز به هرمنوتیک زمینه‌مند و قصدگرایی اسکینر تاسی شده است. با تأسی به رهیافت اسکینری که تفسیر متن و فهم معنای آن را از طریق مطالعه متون و شناخت زمینه اجتماعی و سیاسی با تکیه بر «شیوه عمل بیانی» یا «کنش گفتاری» ممکن می‌داند، کوشش شده تا مواضع این جنبش و تحول از سر گذرانده شده بیان شود. در رویکرد زمینه‌باور و هرمنوتیک قصدگرایی اسکینر معانی اصطلاحات و مفاهیم و گزاره‌های هر دوره تاریخی منوط و محدود به آن دوره هستند و برای نیل بدین مقصود

۱. دکتری تاریخ ایران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. Mehdizamani12@gmail.com



باید جریان‌ها و گرایش‌های فکری، مباحث و استدلال‌های رایج و پرسش‌ها و پاسخ‌های مطرح در آن دوره را مورد تحقیق قرار داد. از این رو به حوادث و وقایع زندگی و زمینه فکر و عمل گرداندگان تشکیلات جنبش به‌مثابه سوژه‌های تاریخی توجه شده است.

یافته‌ها: جاما بر اساس تحلیل دورانی خود، جامعه ایران را در آستانه گذار به یک تحول اجتماعی ارزیابی و در راستای تحقق آن، برنامه‌ای را مبتنی بر یک ایدئولوژی تبلیغ می‌کرد. این ایدئولوژی مورد نظر، سوسیالیسم بر پایه خداپرستی‌ای بود که ضمن توجه به سوسیالیسم اخلاقی و انسانی بر هویت دینی در شکل توحیدی تأکید داشت. همچنین جاما در عرصه سیاسی به دنبال براندازی نظام سلطنتی و استقرار حکومت عدل و کار در قالب نظامی دموکراتیک و در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی به دنبال تحول و تحقق سوسیالیستی با محوریت تامین حقوق و آزادی‌های اساسی مردم بود. استراتژی گذار در برنامه مذکور نیز، بر این پایه استوار بود که به دلیل عدم شایستگی نظام کهنه در جوابگویی به خواست‌های مردم و ناتوانی طبقات اجتماعی در تصاحب قدرت از مسیر کلاسیک، باید یک گروه سیاسی و انقلابی با تکیه بر مشی قهرآمیز از طریق مبارزه فراگیر و دامنه‌دار قدرت سیاسی و حکومتی را از طبقه حاکم سلب، جانشین آن شده و تحول و دگرگونی در کلیه شئون اجتماعی را محقق سازد. جامایی‌ها در شروع دوره دوم فعالیت‌های خود در چند سال منتهی به انقلاب اسلامی سال ۵۷، مواضع سیاسی اجتماعی گفته شده را در گفتمانی اسلامی و در قالب انقلاب و حکومت اسلامی تعریف و دنبال کردند.

نتیجه‌گیری: ویژگی‌های فضای زبانی-گفتمانی و فکری-اجتماعی و زمینه سیاسی-تاریخی حاکم از جمله ناکامی دولت ملی و سقوطش بوسیله کودتا، تشدید تنش‌های سیاسی، صف‌آرایی موافقان و مخالفان نظام شاهنشاهی، نزاع‌های گفتمانی سنتی و مدرن، عدم توفیق رویه‌های سیاسی، سرکوب اعتراضات و به خصوص وقوع رخداد ۱۵ خرداد ۴۲، توسل به طرح ترور توسط گروه‌های مبارز، ایجاد سازمان‌هایی با تفکرات رادیکال، گسترش اندیشه مبارزه قهرآمیز، رشد و گسترش جنبش روحانیت در تعیین مواضع سیاسی اجتماعی جاما و تحول در آن مواضع تاثیرگذار بود.

واژگان کلیدی: جاما، سوسیالیسم خداپرستانه، دموکراسی، حکومت اسلامی، مبارزه قهرآمیز.

استناددهی: زمانی، مهدی. ۱۴۰۳. تحول در مواضع سیاسی اجتماعی جنبش آزادیبخش مردم ایران/جاما (۱۳۴۲-۱۳۵۷): از سوسیالیسم خداپرستانه تا انقلاب و حکومت اسلامی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، زمستان، سال ۱۶، شماره ۴، ۱۴۳-۱۲۱.



۱. مقدمه

با وقوع جنگ جهانی دوم و کناره‌گیری رضا شاه به نفع فرزند خود، شرایط جدیدی برای کنشگری سیاسی و فکری فراهم گردید. در این فضای نسبتاً آزاد سیاسی، جریان‌های فکری متفاوت با ایدئولوژی‌های مختلفی پدید آمد که خود زمینه‌ساز تشکیل احزاب سیاسی جدید شدند. یکی از این جریان‌های فکری پا گرفته در این دوره نهضت خدایپرستان سوسیالیست بود که با نقد گفتمان‌های ماتریالیستی و مذهبی وقت، ایدئولوژی سوسیالیسم بر پایه خدایپرستی را طرح و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را بر مبنای آن دنبال می‌کرد. پس از چندی، این جریان فکری و فرهنگی، در پی فعالیت آشکار سیاسی و نقش‌آفرینی در تحولات داخلی ایران برآمد و تشکل سیاسی‌ای با نام «نهضت ملی / مردم ایران» ایجاد کرد. در ادامه اعضای این تشکل سیاسی به موجب ائتلافی که با حزب ایران ایجاد شد، در این حزب ادغام شدند. با این حال، در بهمن ۱۳۳۱ و مقارن کشمکش دولت ملی با استبداد داخلی و استعمار خارجی، ائتلاف نهضتی‌ها و حزب ایرانی‌ها از هم گسست و آنها جمعیت مستقل جدیدی را با عنوان «جمعیت آزادی مردم ایران» ایجاد کردند.

عمده فعالیت این جمعیت تا کودتای ۲۸ مرداد تبیین و تشریح گذاری سوسیالیستی و دموکراتیک بر پایه ایده خدایپرستی بود. پس از کودتا و در پی تشدید سیاست سرکوب، جمعیتی‌ها در اسفند ۱۳۳۳ با تغییر نام تشکل خود، حزب تازه‌ای با عنوان «حزب مردم ایران» پدید آوردند. ایدئولوژی مورد نظر این حزب نیز سوسیالیسم بر پایه خدایپرستی بود. افزون بر این، در عرصه سیاسی به دنبال براندازی نظام سلطنتی و برقراری نظامی دموکراتیک و در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی به دنبال تحول و تحقق سوسیالیستی، ریشه‌کن ساختن فقر و بیکاری، تهیه کار و نان و فراهم کردن شرایط آموزش و بهداشت برای همه، اتخاذ سیاست اقتصادی ملی و پیگیری برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی و ... بود. با این حال، مقارن سال‌های ۳۹ تا ۴۱، عملکرد حزب مردم ایران که سیاست احتیاط و محافظه‌کاری را پیشه کرده بود، برای جوانان حزب متقاعد کننده نبود. از همین رو، برخی از آنها در اواخر تابستان ۱۳۴۲ «جنبش آزادیبخش مردم ایران» را ایجاد کردند.^۱

فعالیت جنبش آزادیبخش مردم ایران به دو دوره جامای اول (۱۳۴۲-۱۳۵۵) و جامای دوم (۱۳۵۵- تاکنون) تقسیم می‌شود. موضوع این تحقیق تشریح رویکردهای سیاسی و اجتماعی جنبش مذکور در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا انقلاب ۱۳۵۷ است. در رابطه با موضوع تحقیق تا جایی که نگارنده بررسی کرده است، اثر مستقلاً ارائه نشده است. عموم آثار تنها در خلال معرفی احزاب و تشکل‌های سیاسی، به بیان گزارشی مختصر و کلی در خصوص این جنبش اکتفا کردند. محمود نکوروح (۱۳۹۳) در کتاب «نهضت خدایپرستان سوسیالیست» کوتاه و گذرا به این جنبش و برنامه‌های آن پرداخته است.

عمده تلاش نکوروح حول ارائه متون اصلی منتشر شده توسط جامایی‌ها در دوره فعالیت شان است. از همین رو در تحقیق حاضر که تحقیقی مستقل در خصوص این حزب است، تلاش شده است به این

۱. در خصوص این دو تشکیلات یعنی جمعیت آزادی مردم ایران و حزب مردم ایران بنگرید به دو مقاله مستقل: آقاجری و زمانی، ۱۴۰۲؛ آقاجری و زمانی، ۱۴۰۳.

مسئله که مواضع سیاسی و اجتماعی مورد نظر آن چه بوده و چه تحولی را از سر گذرانده؟ پاسخ جامعی بدهد. در راستای پاسخ بدین مسئله، از روش تحقیق تاریخی برای جمع آوری و گردآوری داده‌ها و سنجش صحت و سقم آنها استفاده و در بخش تحلیل و تفسیر متون به هرمنوتیک زمینه مند و قصدگرای اسکینر تاسی شده است. با بهره گیری از روش تحقیق تاریخی و با تاسی به رهیافت اسکینری که تفسیر متن و فهم معنای آن را از طریق مطالعه متون و شناخت زمینه اجتماعی و سیاسی با تکیه بر «شیوه عمل بیانی» یا «کنش گفتاری» ممکن می‌داند، تلاش شده تا مواضع این جنبش و تحول صورت گرفته در آن مواضع تشریح شود.

در رویکرد زمینه باور و هرمنوتیک قصد گرای اسکینر معانی اصطلاحات و مفاهیم و گزاره‌های هر دوره تاریخی منوط و محدود به آن دوره هستند و برای نیل بدین مقصود باید جریان‌ها و گرایش‌های فکری، مباحث و استدلال‌های رایج و پرسش‌ها و پاسخ‌های مطرح در آن دوره را مورد تحقیق قرار داد. از این رو باید به حوادث و وقایع زندگی و زمینه فکر و عمل گردانندگان تشکیلات جنبش توجه کنیم. تشدید تنش‌های سیاسی، صف‌آرایی موافقان و مخالفان نظام شاهنشاهی، نزاع‌های گفتمانی سنتی و مدرن، ناکامی دولت ملی و سقوطش بوسیله کودتا، عدم توفیق رویه‌های سیاسی، سرکوب اعتراضات و رخداد ۱۵ خرداد ۴۲، گسترش اندیشه توسل به طرح ترور، ایجاد سازمانهایی با تفکرات رادیکال و گسترش اندیشه مبارزه قهرآمیز همگی کنش‌هایی هستند که باید مواضع جامایی‌ها را به مثابه واکنش یا پاسخی به آن‌ها بدانیم.

۲. رهیافت نظری

برای شرح رویکرد سیاسی و اجتماعی جنبش جاما تاسی صرف به روش‌شناسی متن باورانه که فهم متن را تنها به مطالعه صرف متن - به‌عنوان یک ابژه خودکفا و ذاتاً خودمختار - بدون توجه به زمینه اجتماعی و شرایط تاریخی، محدود کرده است، کفایت نمی‌کند (مرتضوی، ۱۳۸۸: ۲۸۵). از این رو به نظر می‌رسد هم توجه به متن و هم توجه به زمینه اجتماعی و تاریخی آن دوره ضروری باشد. لذا در این تحقیق به رویکرد زمینه باور و هرمنوتیک قصدگرای اسکینر تاسی شده که فهم متن و درک معنا و قصدیت متن را از مسیر شناخت زمینه تاریخی - اجتماعی و مطالعه خود متن ممکن می‌داند (همان، ۱۳۸۶: ۱۷۴). از نظر اسکینر برای نگارش تاریخ اندیشه و فهم متون باید متن‌ها را در درون بافت فکری و چارچوب گفتمانی آن دوره قرار دهیم تا دریابیم که مؤلفان متون چه قصدی داشته‌اند (اسکینر، ۱۳۹۳: ۱۱).

به عبارتی او تفسیر متن و فهم معنای آن را از طریق مطالعه متون و شناخت زمینه اجتماعی و سیاسی با تکیه بر «شیوه عمل بیانی» یا «کنش گفتاری» ممکن می‌داند. در نتیجه در رویکرد زمینه باور و هرمنوتیک قصدگرای اسکینر معانی اصطلاحات و مفاهیم و گزاره‌های هر دوره تاریخی منوط و محدود به آن دوره هستند و برای نیل بدین مقصود باید جریان‌ها و گرایش‌های فکری، مباحث و استدلال‌های رایج و پرسش‌ها و پاسخ‌های مطرح در آن دوره را مورد تحقیق قرار داد. (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۵۹ و ۱۷۵) علاوه بر این، در نظر اسکینر، بحث قصد و نیت مؤلف اهمیت بالایی دارد و وجه تمایز هرمنوتیک وی با هرمنوتیک متن‌گرا و زمینه‌مند در این مهم نهفته است (سوری و شاکری، ۱۳۹۵: ۲۲۷). به بیان خود اسکینر «فهمیدن متن‌ها

مستلزم درک این نکته است که آن‌ها قصد داشته‌اند چه معنایی را انتقال دهند و چگونه در نظر گرفته شده است که آن معنی اختیار شود. درک کردن یک متن... مستلزم فهمیدن دو نیت است: یکی اینکه متن چه می‌گوید و چه مقصودی دارد؛ دیگر این که گفتن همان حرف به نیت انجام چه کاری صورت گرفته است یعنی هدف کنش عامدانه متن از انتقال پیامش چه بوده است» (اسکینر، ۱۵۷).

بر این اساس، تنها گفتار نویسنده و یا زمینه سیاسی اجتماعی که شکل دهنده انگیزه و نیت نویسنده بوده است، مد نظر نیست، بلکه عملی که نویسنده در ضمن ارائه اندیشه‌اش به آن دست زده نیز حائز اهمیت است. بدین ترتیب، تحقیق پیشرو با الهام از این توجه همزمان اسکینر به زمینه و متن به نگارش در خواهد آمد؛ به عبارت دیگر، این روش اسکینر و این توجه وی به عنوان درپچه‌ای فرض خواهد شد که نگارنده با کمک آن به موضوع تحقیق پیشرو می‌نگرد؛ یعنی نگارنده قصد ندارد مسیری را که اسکینر پیشنهاد داده یا طی کرده، در خلال کار خود وارد سازد، بلکه تنها توجه خود را محدود به ارتباط زمینه و متن کرده و تلاش شده از خلال بررسی زمینه‌ی اجتماعی، سیاسی و فکری دوره و متون تهیه شده، مواضع سیاسی و اجتماعی جاما و تحول صورت گرفته در آن مواضع را مورد تحقیق قرار دهیم.

۳. زمینه تاریخی، سیاسی و فکری

پس از کودتای ۲۸ مرداد، فضای رعب و وحشت در کشور ایجاد شد و دولت‌های امریکا و انگلیس دولت کودتا را به رسمیت شناختند. در برخی موارد نیز حمایت دولت‌های غربی فراتر رفت به گونه‌ای که دولت آیزنهاور در امریکا، وام و کمک‌های بلاعوضی را در اختیار دولت کودتا قرار داد (مهدوی، ۱۳۸۴: ۲۲۲-۲۲۱). این تلاش‌های دول غربی برای به جریان انداختن نفت ایران به دامن غرب بود. سرانجام نیز قرارداد هوارد پیچ-علی امینی به تصویب مجلسین رسید (نجاتی، ۱۳۸۴: ۹۰-۸۷). تلاش‌ها در مخالفت با انعقاد این قرارداد به جایی نرسید و دولت برآمده از کودتا نیز پس از انجام این ماموریت کنار رفت و دولت حسین علاء جانشین آن شد (بایگی، ۱۳۷۹: ۲۶۷-۲۶۵). مصادف با همین رویدادها، نهضت مقاومت ملی ایران نیز شکل گرفت (حاج سیدجوادی، ۱۳۵۷: ۳۳-۳۱). هدف اولیه و اساسی این نهضت، جلوگیری از تثبیت دولت کودتا بود (نجاتی: ۱۰۸-۱۰۷). با این حال توانست به گسترش سازمانی اقدام کند (سحابی، ۱۳۸۸: ۱۶۹-۱۶۸).

در فروردین ۱۳۳۴ نیروهای سرکوب با یورش وسیع به نهضت مقاومت ملی گروهی از سران و کنشگران نهضت مقاومت ملی را بازداشت کرد (اسناد مقاومت نهضت ملی ایران، ۱۳۶۵: ۱/ ۳۴۰). پس از آن حکومت تلاش کرد تا در عرصه سیاسی با شکل‌دهی احزاب دولتی ملیون و مردم به شیوه‌ای هدایت شده، عرصه سیاسی را پر تحرک نشان دهد؛ اما ناکارآمدی دستگاه زمینه فساد گسترده و بحران اقتصادی را ایجاد کرد. این فساد و ناکارآمدی پهلوی دوم در امریکا به عنوان کشور پشتیبان آن نیز بازتاب گسترده‌ای یافت و سیاست مداران آن کشور را نگران رویدادهای ایران که همسایه اتحاد شوروی بود، ساخت. این مسأله در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری امریکا و رقابت‌های دو حزب اصلی جمهوری خواه و دمکرات مورد توجه بود.

در بهار ۱۳۳۹ نیز با نزدیک شدن به انتخابات دوره بیستم مجلس بحران سیاسی - اقتصادی وجوده آشکارتری پیدا کرد. شاه نگران و هراسان از اوضاع درون و برون مرزی وعده انتخابات آزاد داد. با این حال انتخابات، فرمایشی برگزار شد و حزب ملیون اکثریت آراء را از آن خود کرد. فرمایشی بودن انتخابات و نیز بحران رو به گسترش اجتماعی - سیاسی به گونه‌ای بود که حتی شاه نیز از روند انتخابات ابراز نارضایتی کرد و دستور توقف انتخابات را در حوزه‌هایی که انتخابات در حال انجام بود، صادر کرد. این مجلس در اسفند ۱۳۳۹ آغاز به کار کرد با این حال روز افتتاح مجلس، صحنه اعتراض به رژیم شاه شد. این اعتراض‌ها در خارج از مجلس نیز گسترده‌تر شد.

برای نمونه در اردیبهشت ماه معلمان تهران در اعتراض به شرایط کار و پایین بودن حقوق شان دست به اعتصاب زده و در میدان بهارستان به تظاهرات پرداختند. این تظاهرات منجر به درگیری شد و یکی از معلمان به نام ابوالحسن خانعلی به قتل رسید (بایگی، ۲۹۰). به دنبال گسترش اعتراضات، دولت شریف امامی سقوط کرد و دولت علی امینی روی کار آمد تا با همراهی دولت آمریکا اصلاحات عمده‌ای را در راستای ممانعت از تحقق انقلابی سوسیالیستی در کشور ایجاد کند (نجاتی، ۱۳۶-۱۳۸). با این حال امینی نیز خیلی زود برکنار و جای خود را به اسدالله علم داد تا شاه با خاطری آسوده خود سررشته دار برنامه اصلاحات ارضی شود و آن را به عنوان انقلاب سفید به پیش برد.

عدم توفیق شاه در اجرای درست این طرح اصلاحی، آسیب‌ها و معضلات تازه‌ای را بر جامعه تحمیل کرد (کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی، ۱۳۵۵: ۴). بدین ترتیب تضادهای طبقاتی گسترده‌تر شد و توزیع درآمد نیز به ثروت ثروتمندان و فقر فقیران افزود. مخالفان دیرینه سال رژیم شاه نیز آگاه از بحران اقتصادی - سیاسی، فعالیت خود را گسترش دادند. علاوه بر این بحران اقتصادی توده‌های مردم را به میدان کشاند و توده معترض، احزاب و رهبران سیاسی - مذهبی را بیش از پیش رادیکال‌تر ساخت. جبهه ملی، نهضت آزادی ایران، حزب توده، جنبش روحانیون و جنبش‌های چریکی مهمترین جریان‌های تلاشگر در این عرصه بودند.

در چنین شرایطی، میانه‌های دهه ۱۳۵۰ شاه در برابر انتقاد جامعه‌های جهانی حقوق بشر و نیز کارزار تبلیغاتی حزب دمکرات آمریکا بر آن شد فضای سیاسی را در چارچوب اراده خودش باز کند. در همین راستا از شدت سانسور مطبوعات اندکی کاسته شد و به هیأت حقوق بشر برای بازدید از زندان‌ها اجازه ورود داد. این اقدامات، تغییراتی در زمینه محاکمات به سود متهمان سیاسی به وجود آورد (نجاتی، ۲/۲۱). چنین بود که فضای باز سیاسی بی‌آنکه در چارچوب اراده شاه باشد، گسترش یافت. پس از پیروزی کارتر خود به خود این فضا گشوده‌تر شد. بر بستر این تحرک‌ها و تلاش‌ها برای گسترش مبارزه احزاب سیاسی منتقد نیز به دنبال بازسازی و گسترش برآمدند. جبهه ملی ایران اعلام موجودیت کرد. نهضت آزادی با صدور اعلامیه‌هایی خواستار اجرای قانون اساسی و تأمین آزادی‌های قانونی شد. آیت الله خمینی نیز در نجف از روحانیون خواست به تحرک انتقادی آشکار روی آورند. حزب توده ایران نیز به هواداران خود در داخل تحرک بخشید (همان، ۳۲).

پس از آن و از دی ۱۳۵۶ اعتراض به مقاله نشر یافته در روزنامه اطلاعات در تهران آغاز شد و در پی این اعتراضات نیروهای انتظامی به سوی تظاهرکنندگان آتش گشودند. این خود زمینه سلسله اعتراضات دیگر شد و جنبش همگانی‌تر و مذهبی‌تر شد. با گسترده‌تر شدن جنبش هژمونی رهبری آیت‌الله خمینی نیز گسترده‌تر می‌شد و مورد استقبال گروه‌های سیاسی نیز قرار می‌گرفت. با گسترش ناآرامی‌ها و تظاهرات خشم‌آلود فضای سیاسی ایران نیز رادیکال‌تر شد. چنین بود که جنبش رو به گسترش مخالفان بر سر اهداف مشترک، به وحدت عمل نزدیک می‌شد. نیروهای مذهبی و غیر مذهبی نیز بتدریج به هم نزدیک‌تر و صف‌های مبارزه متحدتر و آیت‌الله خمینی نیز فعال‌تر می‌شد.

شاه در کنار سرکوب مخالفان به دنبال آن بود که با تغییرات جزئی از گسترش اعتراض‌ها و وحدت عمل مبارزان مانع آید. او در ۲۸ تیر سپهبد نعمت‌الله نصیری چهره‌بدنام و منفور را از ریاست ساواک برکنار و سپهبد ناصر مقدم را به جای او منصوب کرد. سپهبد مقدم با اندیشه آرام کردن نیروهای مخالف به دنبال زمینه‌سازی آزادی زندانیان سیاسی و تغییر چهره خونبار و منفور ساواک برآمد، اما این تغییرات پاسخگو نبود. بدین ترتیب موج اعتراض گسترده‌تر و شعارها رادیکال‌تر می‌شد و شاه نیز روز به روز در اعمال قدرت دچار تردید و تزلزل می‌شد. با شروع ماه رمضان، اعتراض‌ها گسترده‌تر و با رویداد ۱۷ شهریور هر گونه طرح مسالمت‌آمیز برای حل بحران ناکارآمد شد و در نهایت در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به سقوط حکومت پهلوی و پیروزی انقلابیون انجامید. در این زمینه گفته شده، جاما در حد بضاعت تشکیلاتی خود، نقش‌آفرینی داشت. آنها با رادیکال شدن فضا به مبارزه مسلحانه پرداختند و بعدتر، به خاطر دستگیری گردانندگان تشکیلات و فشار نهادهای امنیتی فعالیت آشکار سیاسی شان محدود شد. این محدودیت تا انقلاب سال ۱۳۵۷ ادامه داشت.

۴. تشکیلات، سازماندهی و اهداف جنبش آزادیبخش مردم ایران

جاما یا جبهه آزادیبخش مردم ایران که از آن با عنوان جنبش انقلابی مردم ایران نیز یاد شده، یک حزب سیاسی سوسیالیست و اسلام‌گرای ایرانی بود. کاظم سامی و حبیب‌الله پیمان مهمترین اعضای موسس این سازمان بودند. سامی که بعد از تشکیل جاما سخنگوی این سازمان شده بود، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را از مقطع دبیرستان و با حضور در کانون نشر حقایق اسلامی و کلاس‌های درس اخلاق و دیانت محمدتقی شریعتی در شهر مشهد آغاز کرد (یادنامه دومین سالگرد شهادت دکتر سامی، ۱۳۶۹: ۹). او در بجهوه نهضت ملی شدن نفت و جدی‌تر شدن فعالیت خدایپرستان سوسیالیست، به این نهضت پیوست که آرمانش تحقق «خدایپرستی به منزله پرستش خداوند یکتا و مقابله با هرگونه شرک و طاغوت‌گرایی، تأمین عدالت اجتماعی در جامعه بر پایه سوسیالیسم و دموکراسی بدون تفکیک از یکدیگر» بود (همان، ۱۰).

سامی پیش از کودتای ۲۸ مرداد ماه، از طریق نخشب با پیمان که او هم از اعضای نهضت خدایپرستان سوسیالیست بود، آشنا شد. پس از کودتا، سامی و پیمان با قبولی در دانشگاه تهران به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود ادامه دادند. آنها در تشکیلات دانشجویی حزب مردم ایران که بخشی از سازمان جوانان

بود، فعالیت گسترده‌ای را در صف نهضت مقاومت ملی داشتند (همان، ۱۸-۲۰). همچنین تلاش زیادی به منظور جذب دانشجویان به حزب به خصوص از طریق فعالیت تبلیغاتی در دانشگاه تهران داشتند و از این طریق فعالیت‌های حزب مردم ایران را سر و سامان داده و انسجام بخشیدند. در ادامه نیز، با ایجاد تشکیلات جبهه ملی دوم، آنها در کنار انجام امور حزب مردم ایران در این تشکیلات نیز مشارکت و حضور فعالی داشتند (نکوروح، ۱۳۹۳: ۵۵-۵۶).

مقارن سال‌های ۳۹ تا ۴۱، حزب مردم ایران که سامی و پیمان نمایندگان جوانان آن حزب بودند، سیاست احتیاط و محافظه‌کاری را پیشه کرد. به‌زعم پیمان حزب «فعالیت‌های خود را در چارچوب جبهه ملی دوم متمرکز ساخت و با سیاست‌های ناپیگیر و استراتژی انفعالی جبهه در سال‌های ۳۹ الی ۴۱ و کشمکش‌های درونی آن، برخورد فعال و مثبت نمی‌کرد و به سیاست دنباله‌روی گرفتار شده بود.» از همین رو این رویه برای جوانان حزب (دانشجویان و دانش‌آموزان) که «روش‌های قاطع و مؤثر و مستقلی» را طلب می‌کردند، متقاعد کننده نبود. علاوه بر این ما به این مشی «دنباله روی از مشی مبهم و محافظه کارانه جبهه ملی دوم» به گونه‌ای نگاه داشتیم که «نیروهای فعال ما را در صحنه عمل سیاسی و مبارزاتی در جامعه فلج کرده و خصلت پیشگامی و ابتکار عمل را از آنها سلب نموده است» (یادنامه دومین سالگرد...، ۲۰).

با انحلال جبهه ملی دوم، تشکیلات جبهه ملی سوم با مشارکت حزب مردم ایران ایجاد شد. این تشکیلات تازه نیز چندان دوام نیاورد و با انحلال جبهه ملی سوم پس از زمان کوتاهی از آغاز فعالیتش، حزب مردم ایران نیز گرفتار بی‌عملی شد. مقارن با این شرایط و موقعیت، کنگره حزب مردم ایران در فروردین ۱۳۴۱ برگزار شد و سامی و پیمان به عضویت کمیته مرکزی درآمدند. این حضور موجب شد تا آنها بیش از پیش و در شرایط بهتر از رویه‌های موجود و محتاطانه احزاب به خصوص حزب مردم ایران انتقاد کنند. این انتقادها صرفاً به مشی و شیوه محدود نماند و خواستار تغییر رویه در امر مبارزه شدند (سیر تاریخی جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران، بی تا: ۱۸). بحث‌های طولانی در کمیته مرکزی حزب درباره استراتژی مبارزه قطب‌بندی میان سامی و پیمان با دیگر اعضای حزب را تشدید کرد.

در نتیجه آنها بر ایجاد تحول اساسی در وضع و کیفیت فعالیت‌های حزب مصرانه ایستادند. به‌زعم آنها، نظر به وضع زمانه باید مبارزه از مشی صرفاً سیاسی به مشی قهرآمیز و مسلحانه تغییر می‌کرد (یادنامه دومین سالگرد...، ۲۰-۲۱). با این حال، نظرات آنها در اقلیت قرار گرفت و پیشنهادات آنها از سوی دیگر اعضای حزب پذیرفته نشد. از همین رو، آنها که فضای حزب را برای پیشبرد اهداف خود مناسب ندیدند، به صورت پنهانی و بدون اطلاع گردانندگان حزب مردم ایران، در راستای تحقق اهداف خود در مسیر مبارزه قهرآمیز گام برداشتند (گزارش بازجویی سازمان امنیت درباره چگونگی تشکیل جاما از پرونده دکتر سامی). وقوع حوادثی نظیر سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۴۲ بیش از پیش ضرورت علنی کردن آنان را نشان داد. لذا در اواخر تابستان ۱۳۴۲ یعنی زمانی که هسته‌های اولیه گروه ایجاد شده بود، آنها فعالیت خود را علنی کرده و به پیشنهاد پیمان عنوان «جنبش آزادیبخش مردم ایران» را برای تشکیلات خود انتخاب کردند و در راستای فراهم کردن زمینه ایجاد یک قیام توده‌ای و ایجاد کادر و تشکیلات مناسب برای اقدام و عمل انقلابی گام برداشتند (گفتگوی نگارنده با حبیب‌الله پیمان، ۱۴۰۲/۶/۵).

دلیل و انگیزه ایجاد این سازمان آنچنان که سامی در بازجویی‌هایی خود به آن اشاره کرده، عدم آزادی فردی و اجتماعی، اختناق، فشار و زور و وجود مظاهر استعمار به طور علنی در کشور بود. سامی در همین گفتگو قصد خود از تشکیل جاما را روشن‌تر و صریح‌تر بیان کرده است. به‌زعم او ایجاد دگرگونی در نظام فعلی مملکت و دستگاه حکومت هدف اصلی او از راه‌اندازی این تشکیلات بوده است (گزارش بازجویی سازمان امنیت درباره چگونگی تشکیل جاما از پرونده دکتر سامی؛ نکوروح، ۵۶). سامی نظر به آنچه در ایران در حال وقوع بود، به این نتیجه رسیده بود که دیگر نمی‌توان تنها با مبارزه ضداستعماری یا تنها با روح ملیت مبارزه را ادامه داد. از همین رو می‌گفت که ملیت باید بر مبنای اعتقاد مذهبی و توده‌ای مردم و بر شالوده حذف استثمار و استعمارگری قرار گیرد و با استبداد بستیزد تا بتواند در صحنه مبارزات نقش خود را ایفا کند.

با تاسی به همین نظر، او و همفکرانش در دوره‌ای که هنوز امکان مبارزه علنی وجود نداشت، فعالیت‌های پنهانی و انقلابی خود را با هدف حذف سمبل استعمار و استثمار و استبداد شروع و جاما را ایجاد کردند. سامی در تحلیل خود در این دوره علت شکست جبهه ملی را در تک بعدی بودن آن یعنی مبارزه ضد استعماری آن می‌دید و به دنبال مبارزه‌ای جامع بود چرا که استبداد را یاری‌گر استعمار می‌دانست (ریاضی، ۱۳۶۸: ۳۰). به همین منظور و در راه این مبارزه در جبهه‌های مختلف کوشش می‌کرد. اغلب نوشته‌های او در این مسیر بدون نام بود. او در روزنامه‌های گنج شایگان و پیکار اندیشه می‌نوشت و برخی از تحلیل‌های سیاسی دوره مبارزات نهضت مقاومت ملی نوشته‌های وی بود (دل آسیایی، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۹). در این دوره فعالیت جاما، رویه مبارزه سیاسی تا حدودی ناکام ماند و حتی اعتراضات نیز سرکوب شده بود. شاه و دربار نیز به تاسی از سیاست‌های خارجی ژست آزادیخواهی به خود گرفتند. همچنین آنها برای مقابله با اعتراضات انجام اصلاحات را در قالب انقلاب سفید دنبال کردند. اگر چه این طرح موجب نارضایتی گروه‌های مرتجع و ملاکین شد و آنها به صف مخالفین کشاند اما وجود جو پر از اختناق مانع از بروز اعتراضات جدید می‌شد. در نتیجه توسل به طرح ترور و ایجاد سازمان‌هایی با اندیشه مبارزه قهرآمیز مورد استقبال قرار گرفت. آنچنان که بعدتر از جاما نیز با همین ذهنیت، محمد بخارایی از اعضای موتلفه در خرداد ۱۳۴۴ نخست وزیر وقت یعنی حسنعلی منصور را ترور کرد. یا رضا شمس‌آبادی وابسته به حزب مردم ایران در اردیبهشت ۱۳۴۴ تلاش ناموفقی برای ترور شاه در کاخ مرمر انجام داد که به کشته شدن خود وی منجر شد (نکوروح، ۴۸).

بنابراین به واسطه شرایط گفته شده، امکان ایجاد سازمان‌هایی با تفکرات رادیکال و توجه نسل جوان مبارز به مشی قهرآمیز فراهم شد. تشکیلات جاما نیز به عنوان جنبشی آزادی‌بخش با مشی انقلابی و قهرآمیز، برآورده وضع و شرایط گفته شده بود. این تشکیلات از خطی تغذیه می‌شد که آغارش با نهضت خدایپرستان سوسیالیست و مبارزات نهضت ملی و بر مبنای یک گرایش انقلابی و اسلامی بود که بعدتر به جمعیت آزادی مردم ایران و سپس به حزب مردم ایران و حال به جاما رسیده بود. سامی و همفکرانش نیز با همین ذهنیت، تشکیلات جاما را کاملاً مخفی و به شکل هسته‌های مستقل و جدا از هم در گروه‌های مختلف اجتماعی سازماندهی کردند.

جامایی‌ها بعد از ایجاد تشکیلات و به منظور پیشبرد اهداف خود تبلیغات نسبتاً وسیعی را در میان همفکران خود در حزب مردم ایران، جبهه ملی و گروه‌ها و افراد مذهبی انجام دادند. در این دوره تبلیغاتی، آنها روش مبارزات جبهه ملی و دیگر احزاب که دارای رویه محتاطانه‌ای بودند را محکوم و ضرورت مبارزه انقلابی با شرکت همه نیروهای ملی را به منظور ایجاد تحول و دگرگونی در دستگاه حکومت و رژیم دنبال می‌کردند (سیر تاریخی...، ۱۹). از همین رو، در مرحله نخست سعی در جذب نیروهای وفادار و آموزش آنها داشتند تا به وسیله آنها بتوانند هدف خود را تحقق بخشند. آنها پس از یکسال فعالیت توانستند عده‌ای را در تهران و سایر شهرستان‌ها به طرف خود جلب و تشکیلات خود را گسترش دهند. به گونه‌ای که هسته‌هایی از سازمان در شهرستان‌ها قزوین، بندر انزلی، کرمانشاه، شیراز و مشهد ایجاد شد. رسول رزق جو، حسین زاد عیسی، هاشم منفرد، مصباح تلقینی، طاهر خوش خلق و ... از جمله افرادی هستند که در این دوره به جنبش پیوستند (گزارش بازجویی سازمان امنیت درباره چگونگی تشکیل جاما، نکوروح، ۵۳) علاوه بر این، سازمان در خصوص افزایش سطح دانش اعضا در خصوص فعالیت‌های مخفی و آگاهی نسبت به مبارزات انقلابی و پارتیزانی اقداماتی انجام داد (نکوروح، ۵۵). آنها تا سال ۱۳۴۳ به کار آموزش‌های تئوریک و تجارب عملی و گسترش سازمان در نقاط مختلف کشور پرداختند. برنامه آموزشی آنها بر پایه مطالعات درباره مبارزات انقلابی مردم الجزایر، کویا، فلسطین و چین و مطالعه متون مذهبی همچون قرآن و نهج‌البلاغه قرار داشت (گفتگوی نگارنده با نظام الدین قهاری دبیر کل فعلی جاما). همچنین چند نشریه یا اعلامیه با عناوینی «این است دشمن مردم»، «چه باید کرد؟»، «... و اینست راه پیروزی» منتشر کردند. در همه این اعلامیه‌های تنها راه پیروزی، مبارزه فراگیر و قهرآمیز فرض شده و بر همین اساس مبارزه با رژیم با تکیه بر مشی قهرآمیز را به دیگران توصیه می‌کردند.

پس از پخش این اعلامیه‌ها و همچنین انسجام و سازماندهی سازمان‌های وابسته به جبهه، ساواک در مرداد ۱۳۴۴ عده‌ای از فعالین جنبش را در تهران و انزلی دستگیر کرد (گفتگوی نگارنده با پیمان، ۱۴۰۲/۶/۵). اعضای دستگیر شده گروه، در تیر ماه ۱۳۴۵ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی کشور و عضویت در جمعیت مخالف با رژیم سلطنت محکوم شدند. (نکوروح، ۵۷) هسته‌های باقیمانده گروه نیز در پوشش فعالیت مخفیانه اقدام به انتشار نشریاتی چون اخگر و عقاب کردند و بعدها در تشکیل و تداوم سازمان‌های انقلابی نظیر سازمان مجاهدین خلق ایفای نقش نموده و مبارزات خود را ادامه دادند. این رویه فعالیت مخفی انقلابی در طول سالهای ۴۵ تا ۵۵ ادامه داشت و همکاری با دکتر شریعتی و تلاش در جهت نشر افکار و اندیشه‌های وی از مهمترین اقدامات گروه در طی این دوره بود (همان).

۵. تحلیل دورانی و استراتژی گذار از منظر جامایی‌ها

جامایی‌ها پس از سازماندهی تشکیلات خود، متونی را در قالب نشریه و اعلامیه تهیه کردند و برنامه گذار جامعه ایران از وضعیت فعلی را تدارک دیدند. چند نشریه یا اعلامیه با عناوین «این است دشمن مردم»، «چه باید کرد؟»، «... و اینست راه پیروزی» از نخستین متون منتشر شده توسط جامایی‌ها است. در همه این اعلامیه‌ها تنها راه پیروزی همین مبارزه فراگیر و قهرآمیز فرض شده است. سه اعلامیه ذکر شده را که

حاوی تفکر و بینش جامایی‌ها است توسط پیمان از اعضای مهم جاما نوشته شده بود (گفتگوی نگارنده با پیمان، ۱۴۰۲/۴/۱۲).

در اعلامیه شماره یک با عنوان «آری اینست دشمن مردم» که در سال ۱۳۴۳ منتشر شد، جامایی‌ها تحلیلی از وضع زمانه خویش ارائه کردند. بر مبنای این تحلیل، «ظلم و ستم رژیم موجود» و «شکنجه‌های دایمی ضدانسانی» موجب تحمیل بدبختی و رنج بر جامعه و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت توسط «غلامان حلقه به گوش استعمار» صرف عیاشی و خوشگذرانی و خرید اسلحه برای سرکوب جنبش‌ها و ایجاد سازمان‌های جاسوسی و پلیسی شده است. در نتیجه به واسطه این استبداد و استعمار شرایط سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بسیار وخیم جلوه می‌کند.

افزایش ظلم و ستم، تبدیل ایران به میدان تاخت و تاز دزدان و جاسوسان بین‌المللی و استعمارگر، توسعه سازمان‌های جاسوسی و آدمکشی، پیشکش کردن منابع عظیم ثروت کشور به دول استعمارگر، حاکم ساختن مستشاران آمریکایی بر جان و مال و ناموس مردم، تبدیل اقتصاد کشور به زاینده اقتصادی دول استعماری، ورشکسته کردن تجار و کسبه، گسترش بیکاری وحشتناک و آشکار، ایجاد نظام گداپرور، اضمحلال تولیدات و اقتصاد ملی کشور، لگدمال کردن و قربانی کردن همه حقوق و آزادی‌های اساسی ملت، زندانی ساختن آزادی‌خواهان و حق‌طلبان و کشتار دستجمعی ستم‌دیده‌های میهن، دوستی با اسراییل و صهیونیسم و پشت کردن به ملل برادر و مسلمان، اهانت و ضرب و شتم رهبران مترقی و مجاهدین دینی، تبعید غیرقانونی مرجع تقلید آیت‌الله خمینی، فشار بر دانشجویان و استادان و زندانی کردن آنها از جمله دلایلی بود که جامایی‌ها به واسطه آنها اوضاع جامعه را بحرانی می‌انگاشتند و به دنبال تحقق گذار از آن بودند (سیر تاریخی...، ضمیمه شماره دو، نشریه شماره یک، ۴۳-۳۴).

بنابراین به‌زعم جامایی‌ها همه مشکلات و نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور نتیجه قطعی رژیم دیکتاتوری و استبدادی و تسلط شوم استعمار بود. لذا در اعلامیه دوم خود با عنوان «اکنون چه باید کرد؟» ضمن اعلام این نکته که «هر اندازه شاه و دژخیمان درنده‌تر گردند نمی‌توانند از سرنوشت مخوف که انقلاب ملت برایشان تعیین خواهد کرد فرار کنند»، تنها راه را «برکندن رژیم ننگین شاه و برچیدن نظم ظالمانه کنونی» می‌دیدند و هر راه دیگری را «تنها رنگ و روغنی بر روی بنای پوسیده رژیم و تنها سرابی برای فریب مردم» می‌خواندند. در ادامه هم در تایید راه و روش خود به تجربه ملل از بند رسته، تعالیم اسلام و سیره و روش پیشوایان بزرگ ارجاع می‌دادند.

برای نمونه می‌توان از توسلشان به «امام علی به عنوان پیشوای آزادگان جهان و قهرمان پیکار با ظلم و خودسری» اشاره کرد که از قول او می‌گفتند، باید «ستمگر را با شمشیر ادب کنید». یا در جای دیگر تاکید می‌کردند که باید با پیروی از روش چهره‌های بزرگ انقلاب بشریت و سنت نهضت‌ها و انقلاب‌های آزادیبخش جهانی و بالاتر از همه با پیروی از فرمان حسین (ع) قهرمان نهضت کربلا و سرور شهیدان راه حق با «تیشه انقلاب بنیاد رژیم ستمگر یزدیدیان» را فرو ریخت (سیر تاریخی...، ضمیمه شماره دو، نشریه شماره ۲، ۴۴-۴۹). در اعلامیه سوم با عنوان «... و اینست راه پیروزی» نیز

همان ایده لزوم تحول انقلابی را دنبال می‌کردند؛ و بر این امر که تحقق «آزادی و استقلال و استقرار حکومت عدل و کار»، منوط به اشغال همه مراکز قدرت به وسیله مردم است، تاکید داشتند. بدین ترتیب جامایی‌ها بنا به تحلیلی که داشتند، تنها راه «محو کامل رژیم کنونی و ایجاد یک نظم نوین متکی به آرمان‌ها و اهداف مترقی» را در «یک مبارزه انقلابی و آشتی ناپذیر» عملی می‌دیدند. این مبارزه انقلابی که جامایی‌ها از آن صحبت کردند، برای تحقق پیروزی باید از دو ویژگی برخوردار می‌بود: یکی وارد ساختن ضربه سخت و کشنده بر پیکر محتضر رژیم فعلی و دوم، حضور نیروی انقلابی توده زحمتکش، دهقانان و کارگران با قشر انقلابی روشنفکر در این مبارزه (همان، نشریه شماره ۳، ۵۰-۵۷).

۶. تحول سوسیالیستی و دموکراتیک در نگاه جامایی‌ها

سامی به عنوان سخنگوی جنبش از روابط اجتماعی و اقتصادی کشور و روند سیاسی و اقتصادی جهان شناخت و آگاهی کافی داشت. او با تاسی به همین شناخت در پی همگامی توده‌های مردم در صحنه مبارزات برای پیروزی بود. به‌زعم او مردم گرفتار در بند استبداد و استعمار بودند، از همین رو باور به مبارزه در راه آزادی داشت. این آزادی مورد نظر سامی جوهر اصلی توحید و مکتب انقلابی‌ای بود که باید مبارزه توده‌های مردم علیه استبداد و استعمار را رهبری می‌کرد.

به نقل از سحابی، سامی درباره امر آزادی چنین باوری داشت: «انسانی که به آزادی، آزادی راستین انسان - نه ازادی تجارتي - می‌اندیشد، انسانی است که در جامعه‌ای زندگی می‌کند که قبلا در آن، انسان از بند نظام سرمایه‌داری رها شده و نظام طبقاتی انسان را دو قطبی نکرده است و شرک طبقاتی، شرک نژادی و شرک تباری بر انسان حاکم است. چنین انسانی تا آنجا به آزادی انسانی حرمت می‌نهد که مخالف را و حتی دشمن فکری خویش را به خاطر تقدس آزادی تحمل می‌کند و او را از آزادی تجلی اندیشه خویش و انتخاب خویش با زور باز نمی‌دارد و به نام مقدس‌ترین اصول، مقدس‌ترین اصلی را که آزادی رشد انسان از طریق تنوع اندیشه‌ها، تنوع انتخاب‌ها و آزادی خلق و آزادی تفکر و تحقیق و انتخاب است، با روش‌های دیکتاتوری پامال نمی‌کند. در بحث آزادی اشاره به این نکته لازم است که تا زمانی که دیکتاتوری غالب است، احتمال اینکه عدالتی در جریان باشد، باوری فریبنده و خطرناک است؛ و هنگامی که سرمایه‌داری حاکم است ایمان به دموکراسی و آزادی انسان یک ساده‌لوحی است و اگر به تکامل نوعی انسان اعتقاد داریم کمترین خدشه به آزادی فکری آدمی و کمترین بی‌تابی در برابر تحمل تنوع اندیشه‌ها و ابتکارها یک فاجعه است» (سحابی، ۱۳۶۷: ۶۴-۶۵).

علاوه بر این سامی در همین رابطه در شماره اول ماهنامه «پیکار اندیشه‌ها» که در سال ۱۳۴۰ منتشر می‌کرد و در پی دومین شماره آن در چاپخانه به همراه خودش توقیف شد، نوشت که «نشریه پیکار اندیشه‌ها جلوه‌گاهی است که سخافت بطلان روش‌ها و بینش‌های سفاک و شقی را از برج واقعیت‌ها ارزیابی می‌کند و کژاندیشی‌ها و ناپاکی‌ها را هرچند روشن‌تر و عمیق‌تر آشکار می‌سازد... ما با وسعت بخشیدن به مبارزات فکری برای ارواح یاس‌زده و ناامید درس عبرتی بوده‌ایم و خواسته‌ایم انسان باشیم و انسانیت را قدر بشناسیم...». همچنین در ادامه آمده که «دوران ما با انسانیت و پایمردی بیگانه شده، ولی ما باور نداریم و قبول نمی‌کنیم.

آیا امکان دارد عشق‌ها معنی بزرگ و انسانی خود را از دست بدهند؟ ما شعله امید را در سردخانه قلب‌های تاریک می‌افروزیم و سعی داریم که نظامی اخلاقی را جایگزین روش ناموزون کنونی کنیم...» (همان، ۶۴). جامایی‌ها بنا به تحلیل دورانی که داشتند همچون خطی (خط نهضت خدایپرستان سوسیالیست) که از آن تغذیه می‌کردند، جامعه ایران را جامعه‌ای در حال تحول ارزیابی کردند. این تحول و گذار به‌زعم جامایی‌ها در کنار دموکراتیک بودن تحولی سوسیالیستی نیز بود. بدین منظور جامایی‌ها در راستای تحقق این تحول، تنها امکان را مبارزه انقلابی و مسلحانه علیه استبداد و استعمار حاکم می‌دیدند. لذا در صدد برآمدند تا با حضور و مشارکت اقشار مختلف مردم و از طریق ایجاد یک حزب فراگیر و یک نهضت انقلابی زمینه تحقق این تحول را فراهم کنند. آنها نیز همچون دیگر احزاب و جمعیت‌های شکل‌گرفته از نهضت خدایپرستان سوسیالیست، شکست‌های پیشین نیروهای ملی و آزادیخواهان ایران را در غفلت شان از اتکا به قدرت انقلابی مردم جستجو می‌کردند. از همین رو با درس گرفتن از این تجربه تاریخی به این نتیجه رسیدند که اکنون باید متوجه بسیج نیروهای انقلابی و شکست ناپذیر توده شد.

این بسیج کردن و سازمان دادن به نیروی انقلابی مردم و تبدیل آن به یک نیروی ضربتی نیز باید از طریق مبارزه حساب‌شده و همه‌جانبه و به میدان کشیدن توده‌های مردم عملی می‌شد (و اینست راه پیروزی، نکوروح، ۱۲۴-۱۳۰). از همین رو، پیمان از اعضای جنبش در مقاله‌ای با عنوان «خصوصیات نهضت‌های انقلابی» که در نشریه اخگر منتشر شد، ویژگی‌های نهضت انقلابی مورد نظر جامایی‌ها را تشریح کرده است.^۱ بنا به این متن، نهضت انقلابی مورد نظر جامایی‌ها به دنبال تحقق «تحولات سریع و اساسی در رو بنا و زیر بنای» جامعه بوده و به عنوان «پیشروترین و مقدس‌ترین ایده و هدف از طرف مردم کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره» پیش روی افراد جامعه قرار دارد. نهضتی که به دنبال انقلابی سوسیالیستی و دموکراتیک با بن مایه‌ی «دگرگونی‌های کامل جمیع شرایط و روابط موجود در اجتماع» بود.

عدم امکان توسل به راهی غیر از انقلاب در مسیر مبارزه، توجه به امور تشکلیابی، آموزش و تربیت نیروها، برخاستن از متن جامعه و همراه داشتن اعتماد اکثریت طبقات جامعه، داشتن برنامه و تئوری انقلابی، داشتن رهبری استراتژیک جهت طرح و برنامه ریزی شکل کلی و همه‌جانبه مبارزه و رهبری تاکتیکی جهت اجرا و انجام طرح‌های ریخته شده بر اساس شرایط محلی و موقعیت زمانی و مکانی مبارزه از جمله خصوصیات بود که جامایی‌ها برای نهضت انقلابی مورد نظر خود بیان داشتند (سیر تاریخی...، ضمیمه شماره ۳، نشریه اخگر، ۵۹-۶۹). آنها پیرو همین مبارزه انقلابی و سوسیالیستی در نشریه دیگر خود به نام عقاب، مقاله‌ای با عنوان «بهره‌برداری از اشتباهات (۱۳۴۳)» منتشر و ضمن اشاره به ناامیدی و یاس حاکم بر جامعه، مبارزه پیگیرتر «که صورت تند و انقلابی داشته باشد» را به عنوان مرهم درد ناامیدی مطرح کردند. در ادامه همین نوشته نیز در راستای تحقق این مبارزه انقلابی استفاده از تمام جنبه‌های انقلابی و مبارزاتی و ایدئولوژی‌های مختلف و مذهب و

۱. نظر به گفتگوی نگارنده با حبیب‌الله پیمان، این مقاله نیز از جمله آثار اوست.

ناسیونالیسم، ضرورت دوران تلقی شد که بایستی حول محور شعار همگانی «تامین آزادی و استقلال ملی» کنار هم مبارزه را پیش می‌بردند (از نشریه عقاب، نکوروح، ۱۴۰-۱۴۵).

۷. جاما و گرایش به انقلاب و حکومت اسلامی

جاما پس از یک دوره فعالیت محدود به دنبال دستگیری و محکومیت اعضای شاخص آن، حدود دو سال پیش از انقلاب ۱۳۵۷ دوباره تشکیلات خود را سازماندهی کردند. این آغاز دوره جامای دوم است. انتشار نشریاتی چون «مکتب و جهاد» و «پیام شهید» در زمره تلاش‌های این گروه در دو سال قبل از انقلاب ۱۳۵۷ بود. در نشریه مکتب و جهاد، نظام‌الدین قهاری دبیر کل سابق جاما و از اعضای آن موقع جاما مقاله‌ای با عنوان «چرا حکومت اسلامی؟» نوشت.^۱ این نوشته حاکی از جهت‌گیری خاص جاما در حمایت از ایجاد یک حکومت اسلامی است. به‌زعم قهاری، در قرن اخیر فرهنگ اسلامی محرک اصلی جنبش‌های مردم ایران علیه استبداد و استعمار بوده است.

او در این تحلیل به نقش روحانیت شیعه در تحولات معاصر ایران پرداخته و بنا به دیدگاه او روحانیت شیعه در دوره‌های پساصفویه با تکیه بر موازین اسلامی حکومت‌های غاصب را به رسمیت نشناخته و اعتراضات و شورش‌های مردمی علیه قدرتهای مسلط را رهبری کردند. با این حال و علیرغم این رهبری هیچ‌گاه به طور رسمی ادعایی برای تغییر نظام و شکل حکومت و استقرار یک نظم اسلامی نداشتند. حتی در مشروطیت نیز حرکت آنها در راستای مقابله با استبداد، استعمار و ارتجاع بود و مدعی داشتن یک برنامه مشخص برای اداره جامعه و ایجاد نظامی جدید نبودند. آنها همین رویه را در دوره بعد از شهریور ۱۳۲۰ نیز دنبال کردند؛ اما این جنبش روحانیت در بعد از خرداد سال ۴۲ تغییر رویه داد و با رهبری آیت‌الله خمینی و دیگر قشرهای روشنفکر مسلمان توجه به مبانی ایدئولوژی اسلامی و بازشناسی مکتب و عرضه آن توسعه یافت.

در نتیجه اسلام از حد یک عامل محرک احساسی در بسیج مردم و اعتلای عقیده به روح مبارزه و مقاومت در برابر ظلم و تجاوز و فساد بالاتر و به عنوان مکتبی در عین حال سازنده و رهایی بخش و عدالت‌گستر معرفی شد. بنابراین حرکت در جهت استقرار یک حکومت و نظام اسلامی اکنون به رهبری مرجعیت شیعه آغاز شده است. به عبارتی به‌زعم قهاری، جنبش روحانیت خود را برای تغییر دادن بنیادی نظام و معماری یک نظام نوین و عدالت‌گستر و آزادی‌بخش در سایه تعالیم و مبانی اسلامی آماده می‌ساخت. او در همین رابطه می‌نویسد: «امروز شعار استقرار حکومت اسلامی که از طرف امام اعلام گردیده است، بیان‌کننده همه خواست‌های اساسی مردم ایران در مبارزه تاریخی و طولانی شان برای کسب آزادی و عدالت است».

۱. نظام‌الدین از اعضای نهضت خدایرستان سوسیالیست بود که بعد به جبهه ملی و جمعیت آزادی مردم ایران و کمی بعد به حزب مردم ایران پیوست. قهاری از همفکران کاظم سامی در جناح رادیکال حزب مردم ایران بود که جاما را برای مبارزه با حکومت پهلوی تأسیس کردند. قهاری پزشک متخصص گوش و حلق و بینی است و در دوران حکومت پهلوی بارها طعم زندان را چشید. او که از طرفداران اندیشه‌های سوسیال دموکراتیک و اداره امور توسط شوراهاست، در مقطع تهیه این گفتگو عنوان دبیر کلی جاما را بر عهده داشت. (گفتگوی نگارنده با نظام‌الدین قهاری)

او ادامه می‌دهد که این شعار نفی مثلث طاغوتی استبداد و استعمار و استثمار است. سپس با نقد تجربه‌های گذشته که راه حل‌های وارداتی از غرب را به عنوان داروی درد جامعه معرفی و شکل حکومت‌ها و نظامات اجتماعی و مکتب‌ها و مسلک‌های غیر اسلامی را سر مشق قرار می‌دادند، خواستار توجه به راه حلی شد که از بطن فرهنگ انقلابی اسلام و مکتب نجات بخش قرآن بیرون آمده باشد. بدین معنا که حرکت تازه روحانیت شیعه با ویژگی‌هایی که پیش از این ذکر شده را به عنوان یک الگوی داخلی و آزادیبخش مورد تایید قرار داده است (سیر تاریخی...، ضمیمه شماره ۳، نشریه مکتب و جهاد، ۷۶-۱۰۰). در نشریه پیام شهید نیز بر این موضوع تاکید شده است:

«نهضت مذهبی و ملی ایران با اعتقاد به تعالیم اسلامی، از نظر ایدئولوژی سازنده فضایل و تقوایی است که لازم است کلیه افراد مبارز و فداکار و انقلابی به آن پایبند باشند و با اتکا به این فضایل و پاکدامنی منبعث از تعالیم توحیدی است که فداکاری‌ها و از جان گذشتگی‌های ارزشمند در افراد پدیدار می‌گردد و انقلابات خلق‌های محروم را به پیروزی نزدیک می‌سازند» (همان، نشریه پیام شهید، شماره ۲).

اقدام مهم دیگر جاما انتشار نشریه پیام شهید در راستای آگاهی بخشی به مردم و بازگو کردن روش‌های منطقی مبارزه در جهت یکپارچگی مردم بود. شماره اول نشریه که بعد از حادثه سینما رکس آبادان منتشر شد، یک بیانیه چند صفحه‌ای انقلابی و تند علیه دستگاه حکومت و شخص شاه و با شعار «مرگ بر رژیم استبدادی و ضد اسلامی سلطنتی» بود. آنها این حادثه را نمود تحقق یافته دکترین «وحشت بزرگ» شاه قلمداد کرده و در آن گفته شده که شاه «شیطان بزرگ روزگار ما... این تفاله فرعون و بازمانده چنگیز و نرون... این میراث خوار ضحاک و شاگرد سلاخ خانه تیمور...» است. علاوه بر این کشتارها در اصفهان، شیراز، تبریز و دیگر شهرهای کشور به شاه و عمال امنیتی او نسبت داده شد (سیر تاریخی...، ضمیمه شماره ۴، نشریه پیام شهید، شماره ۱، ۱۰۲-۱۰۷).

در شماره دوم نیز که موضوعش «نگاهی به جنبش آزادیبخش مردم مسلمان و کشتار شاهانه در ایران» بود، ضمن نقد اقدامات هیئت حاکمه و ابراز فریب کاری‌ها و گمراه کردن مردم توسط استبداد با حمایت امپریالیسم، اعلام داشتند که «... مردم ایران تشخیص داده اند که زور را باید با زور جواب داد و حقوق پایمال شده ملت جز از طریق مبارزه قهرآمیز و با فداکاری‌های فراوان به دست نمی‌آید و تمام راه‌های درخواست اجرای قانون اساسی و اعطا آزادی به ملت که بعضی از افراد و گروه‌های ملی و ساده‌اندیش از دستگاه حاکمه اجرای آنرا انتظار داشتند مردود و غیر قابل اجرا» می‌دانند:

باید «قدم در راه مبارزه پی‌گیر و بی‌امان گذاشت و در این راه با الهام از تعالیم آزادیبخش و نجات‌دهنده اسلام و پیگیری از شعارها و رهنمودهای اصیل زعیم عالیقدر تشیع امام خمینی با خدای خود و خدای ناس، خدای مردم عهد و میثاق بست که یک لحظه از مبارزه برای رهایی مردم از بندهای ظالمانه استعمار و استبداد و استثمار از پای ننشینیم و در این راه از یک روش انقلابی، بی‌امان و استوار پیروی کنیم و روش‌های سازشکارانه را به دور اندازیم» (همان، نشریه پیام شهید، شماره ۲).

در ادامه نیز اقداماتی برای پیشبرد راه مبارزه پیش روی انقلابیون قرار می‌دهد: اول، روش مبارزه منفی که در آن شخص بایستی از طریق قطع ارتباط شخصی و اجتماعی با نیروهای دشمن و وابستگان آنها،

عدم همکاری و یا کم کاری با دستگاه‌های دولتی و اداری، عدم فعالیت بانکی و عدم پرداخت مالیات، عوارض، بیمه، عدم خرید و مصرف کالاهای خارجی، ارسال نامه‌ها و تلفن‌های تهدیدآمیز و مخدوش نمودن اسناد دولتی و عدم اجرای فرامین و بخشنامه‌های دولتی در ادارات آن را پیگیری می‌نمود. دوم، روش مبارزه مثبت که شخص بایستی از طریق مبارزه فرهنگی و مبارزه از راه سازمان‌بندی و تشکل اجتماعی آن را پیگیری می‌کرد. علاوه بر این در این شماره از نشریه ارایه و تشریح روش‌های سازمان‌بندی و مبارزات مسلحانه به بحث دیگری موكول شده است (همان). جامایی‌ها همین رویه را در شماره سوم پیام شهید، با عنوان «نمایشنامه رای اعتماد شریف امامی» نیز ادامه دادند باعث و بانی همه فسادهای موجود را شخص شاه معرفی کردند (سیر تاریخی...، ضمیمه شماره ۴، پیام شهید، شماره ۳، ۱۰۸-۱۱۶).

جاما با این اندیشه انقلابی، در طول دوران فعالیت به مبارزه مسلحانه خود ادامه داد. ایجاد هسته‌های مبارز در شهرهای مختلف، چاپ و تکثیر بیانیه‌های آیت‌الله خمینی و دیگر دستجات مبارز مسلمان، ایجاد انتشارات چاپخش و چاپ کتاب‌های آگاهی بخش و روشنگر، چاپ دست‌نویس‌ها و کتابهای علی شریعتی از نمونه فعالیت‌های سیاسی، مکتبی و فرهنگی آنها بود (نکوروح، ۲۳۵). این فعالیت‌ها تا انقلاب به همین شکل دنبال شد. آنها همزمان با گسترش جنبش انقلابی، مصرانه هر گونه مبارزه مسالمت آمیز و قانونی در محور اجرای قانون اساسی مشروطه که بر حفظ سلطنت تکیه داشت را نفی کرده و به مبارزه مردم در قالب اسلام انقلابی و به رهبری آیت‌الله خمینی با هدف نابودی رژیم شاهی و برقراری رژیم جمهوری مکتبی بر مکتب و حاکمیت و آرا مردم تاکید کردند.

اقداماتی نظیر تحریم مراسم عید نوروز سال ۵۷، اعلام عزاداری به مناسبت کشتار مردم تبریز، برگزاری کلاس‌های آموزشی در مساجد و منازل، مقابله با توطئه‌های رژیم، انتشار اعلامیه‌هایی برای دعوت از افسران و سربازان، انتشار جزوه «جنبش آزادیبخش مردم ایران در مطبوعات جهان» که در آن مقالات نویسندگان آزاداندیش خارجی ترجمه شده بود، ایجاد شوراهای محله‌ها و روستاها و کارخانه‌ها و تدوین دستورالعمل‌هایی برای آنها، در کارنامه‌شان دیده می‌شود. همچنین تلاش در راستای ایجاد وحدت بین سازمان‌های سیاسی و مذهبی با محوریت باور به اصالت انقلاب اسلامی و رهبری آیت‌الله خمینی از دیگر تلاش‌های آنها بود. ثمره این تلاش‌ها ملاقات کریم سنجابی از رهبران جبهه ملی با آیت‌الله خمینی در شهر پاریس و صدور اعلامیه آبان ماه سال ۵۷ بود.

در آن اعلامیه اشاره شده بود که «سلطنت کنونی ایران با نقض مداوم قانون اساسی و اعمال ظلم و ستم» و «ترویج فساد و تسلیم در برابر سیاست‌های بیگانه» فاقد «پایگاه قانونی و شرعی» است. لذا «جنبش ملی اسلامی ایران نمیتواند با وجود بقا نظام سلطنت غیر قانونی با هیچگونه ترکیب حکومتی موافقت» نماید و باید نظام ملی ایران بر اساس موازین اسلامی و دموکراسی و استقلال از طریق مراجعه به آرای عمومی تعیین گردد (همان، ۲۳۵-۲۳۸). علاوه بر این، آنها در راستای همکاری و همراهی با آیت‌الله خمینی که در آبان ماه ۵۷ در مورد شکل و محتوی و نحوه رسیدن به اهداف جنبش و استقرار حکومت اسلامی، پیامی را منتشر کرده بود، اعلامیه‌ای را منتشر کردند و خواستار پایان دادن به نظام سلطنتی شاهنشاهی و استقرار نظامی مبتنی بر «موازین اسلامی» و «دموکراسی و استقلال» از طریق مراجعه مستقیم

به «آرای عمومی» شده و از اعضای خود دعوت کردند تا مقدمات برپایی رفراندوم پیشنهادی آیت‌الله خمینی را برای انتخاب «نظام جمهوری اسلامی» فراهم کنند (همان، ۵۷-۵۸).

بعدتر و در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن جاما در جهت تجهیز و تدارک وسایل دفاعی صحنه مبارزه در حوالی خیابان‌های فرح آباد و تهران نو و همچنین بسیج مردم در دیگر محلات سعی و کوشش نمودند. این تلاش اعضای جاما در روز ۲۲ بهمن نیز در راستای سقوط دستگاه تبلیغاتی رژیم و رادیو و تلویزیون ادامه داشت و بعد از پیروزی انقلاب نیز آنها در تنظیم برنامه‌های کشیک محلات مختلف در کنار کمیته‌های مردمی دیگر فعالیت داشتند (روزنامه مردم ایران، ۲۵ بهمن ۱۳۵۸).

جامایی‌ها که از زمان ایجاد تشکیلات خود با عنوان جنبش آزادی بخش مردم ایران فعالیت می‌کردند، در نخستین روز پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ نام تشکیلات خود را تغییر و عنوان «جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران» را انتخاب کردند (گفتگوی نگارنده با پیمان، ۱۴۰۲/۶/۵). پس از پیروزی انقلاب نیز پیامی به مناسبت پیروزی جنبش و به ثمر رسیدن مبارزات «ملی اسلامی» منتشر و خواستار ادامه مشی «قهرآمیز و انقلابی علیه نهادهای استبدادی نظام ظالمانه و ضد‌مردمی گذشته و قدرت‌های استعماری و استثمارگری» شدند. همچنین دگرگونی معیار ارزشیابی و جایگزینی «کار و تقوی» را به جای پول و سرمایه به عنوان مبنای مناسبات اجتماعی و «برادری و عدالت اسلامی» را به جای حکومت طبقاتی زر و زور پیشنهاد کردند. در ادامه هم از عناصر انقلابی و توده‌های زحمتکش و روشنفکران خواستند که کار سازماندهی جنبش را به گونه‌ای دنبال کنند که «متناسب با هدف‌های ضد استعماری - ضد استبدادی و ضد استثمارگری» و متکی بر «مشی قهرآمیز و قاطع انقلاب و متکی بر روش دموکراتیک و مردمی» باشد. علاوه بر این ضمن تاکید بر ناکارآمدی روش‌های سنتی سازماندهی و الگوهای غربی و بیگانه با فرهنگ ملی و اسلامی در تجارب گذشته، تشکیل «شوراهای عمومی» جنبش را برای به دست‌گیری امور و فراهم کردن زمینه انتقال و توزیع قدرت بین مردم ضروری برشمرد. بدین گونه که ابتدا شوراهای عمومی در همه جا، شهر و روستا و کارخانه و دانشکده و مدرسه و غیره ایجاد و سپس از مجموع رابطین این شوراهای عمومی، شوراهای هماهنگی برای هدایت شوراهای محل ایجاد شود و از مجموع شوراهای هماهنگی، شوراهای شهر تشکیل و امور مربوط به شهر و یا شهرستان را زیر نظر خواهند گرفت.

دست آخر نیز نمایندگان منتخب شوراهای شهری در یک کنگره خلق مسلمان ایران «شورای مرکزی سازمان جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران» را انتخاب خواهند کرد و این پیشنهاد را تنها امکانی ارزیابی کرده که از طریق آن «سازمان دموکراتیک جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران» می‌تواند ضامن تحقق اهداف جنبش و پاسدار دستاوردهای جنبش انقلابی ایران گردد («پیام جاما به مردم ایران»، نکوروح، ۶۰-۶۱). جاما که سازمان خود را «ادامه منطقی و راستین مبارزات ضد استبدادی انقلاب مشروطیت و ادامه نهضت ضد استعماری ملت ایران در جریان ملی شدن صنعت نفت با تکیه بر فرهنگ انقلابی اسلام و رهبری مرجع عالی‌قدر شیعه امام خمینی در طول پانزده سال اخیر» معرفی می‌کرد، دوره فعالیت خود در پساانقلاب را دوره «تکامل و جهش انقلابی» می‌نامیدند (سیر تاریخی...، ضمیمه شماره ۶، اصول کلی سازمانی جاما، ۱۳۷-۱۴۳). دوره ای که پرداختن به آن خارج از بحث این تحقیق است.

نتیجه گیری

جاما که یک حزب سوسیالیست اسلام گرا بود، در واکنش به فضای زبانی گفتمانی و زمینه سیاسی اجتماعی معاصر با خود ایجاد و متناسب با آن زمینه‌ها مواضع سیاسی و اجتماعی اش تعیین و بیان می شد. آنها بر اساس تحلیل دورانی خود، ایران را در آستانه گذار به دوره ای جدید ارزیابی می کردند. لذا در راستای تحقق امر گذار برنامه ای متناسب با این وضعیت طرح کردند. هسته سخت این برنامه، همچون میراثی که از آن برخاسته بودند، سوسیالیسم بر پایه خداپرستی بود که ضمن توجه به سوسیالیسم اخلاقی و انسانی بر هویت دینی در شکل توحیدی تأکید داشت. افزون بر این، در این برنامه، مسئله پراهمیت و مانع اصلی توسعه و رشد جامعه، نظام استبدادی حاکم معرفی می شد و از همین رو طرح براندازی نظام سلطنتی و استقرار حکومتی مبتنی بر عدل و کار در قالب نظامی دموکراتیک در دستور کار آنها قرار گرفت. همچنین نظر به موقعیت دشوار جامعه در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، تحولی سوسیالیستی با محوریت تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی مردم را دنبال می کردند. اهداف جامایی‌ها منوط به تحقق امر گذار بود. گذاری که به‌زعم آنها، به دلیل عدم شایستگی نظام کهنه در جوابگویی به خواست‌های مردم و ناتوانی طبقات اجتماعی در تصاحب قدرت از مسیر کلاسیک، باید توسط یک گروه سیاسی و انقلابی با تکیه بر مشی قهرآمیز و از طریق مبارزه ای فراگیر و دامنه‌دار دنبال شود تا قدرت سیاسی و حکومتی را از طبقه حاکم سلب و جانشین آن شده و دگرگونی در کلیه شئون اجتماعی را محقق سازد. همین طرح، در دوره دوم فعالیت جاما یعنی حدود دو سال قبل از انقلاب سال ۵۷، با رنگ و لعابی بیشتر اسلامی و با سخن گفتن از انقلابی اسلامی و استقرار حکومتی اسلامی دنبال شد.

تحول در مواضع این تشکیلات همچون تشکیلات هم عصر، چه در عرصه نظر و چه در عرصه عمل متأثر از ویژگی‌های فضای زبانی-گفتمانی و فکری-اجتماعی حاکم در آن دوره بوده است. یعنی طرح و برنامه جامایی‌ها از خلال گفتگو با جریان‌های سیاسی و گرایش‌های فکری، مباحث و استدلال‌های رایج در زمینه اجتماعی و پرسش‌ها و پاسخ‌های مهم ارائه شده در دوره مذکور و تحت تاثیر زمینه تاریخی اجتماعی زمانه شان تهیه شده است. بدین ترتیب تشدید تنش‌های سیاسی در جامعه، صف‌آرایی موافقان و مخالفان نظام شاهنشاهی، نزاع‌های گفتمانی سنتی و مدرن، ناکامی دولت ملی و سقوطش بوسیله کودتا، عدم توفیق رویه‌های سیاسی و به بن بست رسیدن مبارزه سیاسی، سرکوب اعتراضات و به خصوص وقوع رخداد ۱۵ خرداد ۴۲، گسترش اندیشه توسل به طرح ترور، ایجاد سازمانهایی با تفکرات رادیکال، گسترش اندیشه مبارزه مسلحانه و قهرآمیز، شروع و گسترش جنبش روحانیت در تعیین مواضع سیاسی اجتماعی جاما و تحول در آن مواضع تاثیرگذار بود.

منابع

- آقاجری، سید هاشم و زمانی، مهدی (۱۴۰۲)، تبیین ایدئولوژی و برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جمعیت آزادی مردم ایران (بهمن ۱۳۳۱ تا اسفند ۱۳۳۳)، مجله تاریخ ایران، ۱۶ (۲)، ۱۳۵-۱۵۷. IRHJ.2023.232480.1252/10.48308
- آقاجری، سید هاشم و زمانی، مهدی (۱۴۰۳)، تبیین ایدئولوژی و برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حزب مردم ایران (۱۳۳۳-۱۳۵۷)، مطالعات سیاسی و اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران، ۳ (۱)، ۱-۱۷. <https://doi.org/10.61838/kman.jspsich.3.1.1>
- اسناد مقاومت نهضت ملی ایران: حدیث مقاومت (۱۳۶۵)، جلد اول، تهران، نهضت آزادی ایران.
- بایگی، علی اکبر (۱۳۷۹)، دولت‌های ایران، تهران، ریاست جمهوری.
- پایدار، ح (بی تا)، مردم ایران در آستانه یک تحول اجتماعی، بی جا، انتشارات شیوه نو.
- پایدار، ح (بی تا)، هدفها و دو اصل از خصوصیات سوسیالیسم مردم ایران، تهران، انتشارات شیوه نو.
- دل آسایی، محمود (۱۳۹۰)، «بیست و چهارمین سالگرد شهادت دکتر کاظم سامی»، نشریه حافظ، شماره ۸۸، صص ۲۸-۲۹. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/879876>
- حاج سید جوادی، علی اصغر (۱۳۵۷)، نامه‌ها، تهران، مدرس.
- خسروپناه، محمد حسین (۱۴۰۰)، خداپرستان سوسیالیست از محفل‌ها تا جمعیت آزادی مردم ایران، تهران، کتاب پیام امروز.
- سحابی، عزت الله (۱۳۸۸)، نیم قرن خاطره و تجربه، تهران، صبا.
- سحابی، عزت الله (۱۳۶۷)، «زننده یاد دکتر کاظم سامی قربانی مظلوم توطئه»، نشریه کیهان فرهنگی، شماره ۵۷، صص ۶۴-۶۵. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/14881>
- سوری، امیر محمد و شاکری، سید رضا (۱۳۹۵)، مقایسه تطبیقی روش «اسکینر» و «طباطبایی» در تاریخ اندیشه، پژوهش سیاست نظری، ۱۱ (۲۰)، صص ۲۳۰-۲۰۷.
- سیر تاریخی جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (بی تا)، بی جا، دفتر انتشارات و تبلیغات جاما.
- کاظمیان، مرتضی (۱۳۸۷)، سوسیال دموکراسی دینی، تهران، انتشارات کویر.
- کوئنتین، اسکینر (۱۳۹۹). بینش‌های علم سیاست (جلد اول: در باب روش)، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: فرهنگ جاوید.
- کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (۱۳۵۵)، بی جا.
- مرتضوی، سید خدایار (۱۳۸۸)، کاوشی در روش شناسی تاریخ اندیشه‌های سیاسی (مطالعه موردی: نقد اسکینر بر روش شناسی قرائت متنی)، فصلنامه سیاست، ۳۹ (۱)، ۳۰۴-۲۸۵.
- مرتضوی، سید خدایار (۱۳۸۶)، تبیین روش شناسی اندیشه سیاسی از منظر کوئنتین اسکینر، پژوهش نامه علوم سیاسی، ۳ (۱)، ۱۹۲-۱۵۹.
- مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۴)، سیاست خارجی در دوران پهلوی، تهران، پیکان.
- مهرجو، حبیب الله (۱۳۹۰)، خاطرات مرتضی کاشانی، تهران، مرکز انقلاب اسلامی.

- نجاتی، غلامرضا (۱۳۸۴)، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران از کودتا تا انقلاب، تهران، رسا.
- نخشب، محمد (۱۳۸۱)، مجموعه آثار دکتر محمد نخشب، تهران، انتشارات چاپخش.
- نکوروح، محمود (۱۳۹۳)، نهضت خدایرستان سوسیالیست، تهران، انتشارات چاپخش.
- یادنامه اولین ساگرد شهادت دکتر کاظم سامی (۱۳۶۸)، تدوین رسول دادمهر، تهران، انتشارات چاپخش.
- یادنامه دومین سالگرد شهادت دکتر کاظم سامی (۱۳۶۹)، بی جا، انتشارات چاپخش.
- یادنامه سومین سالگرد شهادت دکتر کاظم سامی (۱۳۷۰)، بی جا، انتشارات چاپخش.
- گفتگوی نگارنده با حبیب الله پیمان عضو حزب مردم ایران ۱۴۰۲/۴/۱۲ و ۱۴۰۲/۶/۵.
- گفتگوی نگارنده با محمود نکوروح از اعضای نهضت خدایرستان سوسیالیست ۱۴۰۱/۸/۱۵.
- گفتگوی نگارنده با نظام الدین قهاری دبیر کل فعلی جاما، ۱۴۰۱/۷/۱۳.

References

- Aghajari, Seyyed Hashem and Zamani, Mehdi (2023), Explanation of the ideology and political, social and economic programs of the Iranian People's Freedom Society (February 1952 to March 1954), Iranian History Journal, 16 (2), 135-157. [in Persian]
- Aghajari, Seyyed Hashem and Zamani, Mehdi (2024), Explanation of the ideology and political, social and economic programs of the People's Party of Iran (1958-1978), Political and Social Studies of Iranian History and Culture, (1), 1-17.
- Baygi, Ali Akbar (1990), Governments of Iran, Tehran, Presidency. [in Persian]
- Del-Asai, Mahmoud (2011), "The Twenty-Fourth Anniversary of the Martyrdom of Dr. Kazem Sami", Hafez Magazine, No. 88, pp. 29-28. [in Persian]
- Documents of the Resistance of the Iranian National Movement; Hadith of Resistance (1986), Volume 1, Tehran, Iranian Freedom Movement. [in Persian]
- Haj Seyyed Javadi, Ali Asghar (1978), Letters, Tehran, Modares. [in Persian]
- Historical Course of the Revolutionary Movement of the Muslim People of Iran (Bita), Bija, Jama Publishing and Propaganda Office. [in Persian]
- Interview with Habibollah Peyman, member of the People's Party of Iran, 12/4/1402 and 5/6/2023. [in Persian]
- Interview with Mahmoud Nekorouh, member of the Socialist God-worshippers Movement, 15/8/2022. [in Persian]
- Interview with Nizam al-Din Ghahari, current Secretary General of JAMA, 13/7/2022. [in Persian]
- Khosropanah, Mohammad Hossein (2022), Socialist God-worshippers from Circles to the Iranian People's Freedom Movement, Tehran, Payam Emrooz Book. [in Persian]
- Kazemian, Morteza (2008), Religious Social Democracy, Tehran, Kavir Publicati. [in Persian]
- Mahdavi, Abdolreza (2005), Foreign Policy in the Pahlavi Era, Tehran, Paykan. [in Persian]
- Mehrjoo, Habibollah (2011), Memoirs of Morteza Kashani, Tehran, Islamic Revolution Center. [in Persian]
- Memorial of the first martyrdom of Dr. Kazem Sami (1989), edited by Rasoul Dadmehr, Tehran, Chapakhsh Publications. [in Persian]

- Memorial of the second anniversary of the martyrdom of Dr. Kazem Sami (1989), out of place, Chapakhsh Publications. [in Persian]
- Memorial of the third anniversary of the martyrdom of Dr. Kazem Sami (1991), out of place, Chapakhsh Publications. [in Persian]
- Mortazavi, Seyed Khodayar (2009), An exploration into the methodology of the history of political thought (Case study: Skinner's critique of the methodology of textual reading), *Politics Quarterly*, 39 (1), 304-285. [in Persian]
- Mortazavi, Seyed Khodayar (2007), Explanation of the methodology of political thought from the perspective of Quentin Skinner, *Journal of Political Science*, 3 (1), 159-192.
- Nakhshab, Mohammad (2002), Collection of works of Dr. Mohammad Nakhshab, Tehran, Chapakhsh Publications. [in Persian]
- Nejati, Gholamreza (2005), Twenty-five-year political history of Iran from coup to revolution, Tehran, Rasa.
- Nekorouh, Mahmoud (2014), Socialist God-worshipping Movement, Tehran, Chapakhsh Publications. [in Persian]
- Paydar, H. (?), Iranian People on the Threshold of a Social Transformation, Shiwa No Publications. [in Persian]
- Paydar, H. (?), Goals and Two Principles of the Characteristics of the Socialism of the Iranian People, Tehran, Shiwa Publications. [in Persian]
- Quentin, Skinner (2012). *Insights into Political Science (Volume One: On Method)*, translated by Fariborz Majidi, Tehran: Farhang Javid. [in Persian]
- Sahabi, Ezzatollah (2009), Half a Century of Memory and Experience, Tehran, Saba. [in Persian]
- Sahabi, Ezzatollah (1988), "In Memory of Dr. Kazem Sami, the Victim of Conspiracy", *Kayhan Farhangi Magazine*, No. 57, pp. 64-65. [in Persian]
- Souri, Amir Mohammad and Shakeri, Seyed Reza (2016), Comparative comparison of the "Skinner" and "Tabatabai" methods in the history of thought, *Research on Theoretical Politics*, 11 (20), pp. 207-230. [in Persian]
- World Confederation of Iranian Students (1976), out of place. [in Persian]